

آزاد

هفته نامه فرهنگی اجتماعی



سواء استفاده از
امکانات دولتی
توسط کاندیداها
ممنوع



دانستن نویسی
در مه گمنامی
به مناسبت در گذشت
فریبز ابراهیمپور

دوفتنیه ۱ خرداد ماه ۱۴۰۰ * ۳۱ شوال ۱۴۴۲ می ۲۰۲۱ قیمت: ۱۰۰ تومان

۲
خسارتخشکسال
به کشاورزی
کرمانشاه

۵
فهم سیاسی
در شعر
یا سیاست زدگی

۶
استقرار
۷۲۱ شعبه اخذ رای
در کرمانشاه

۷
گفت و گوی اختصاصی
آواز پراو با نوازنده
جوان شهر

رضا روز بهانی:

آزادی بیان علیه آزادی بیان



جناب آقای دکتر یزدان پناه (مدیر کل محتشم آموزش و پژوهش کرمانشاه)
در گذشت مادر بزرگوارتان را تسلیت عرض می کنم
از طرف علی کرمی مدیر مسئول نشریه آواز پراو

پادداشت سردبیر

دستی که با پروژه در سفن تن اند
(الن حکایات قلب، برق و تاریخ و گرما)

پیمانه ایلیان



ایلیان میلان خواهیان یکی مصرف
در سرمه کنترل سوت بالا
وقت مصرف هفتمانی مدارد
هفدهین ۵۷ هزار مکاره
کسری وجود ندارد
گریبانگر تکثیر است میزان

وزارت نیوچرال اصلی در کسری بودن برق در بیان

در ۱۷۰۰ را انتقام فیضی و روزگاری می‌داند این

در حق این است که هفتمان خنثی خصوصی متفاوت

چنانچه این برویانی است سنت قدم موافی در

بله و مصرف کسری بودجه ای است که باری

ایجاد فریادی جدید در بودجه ساخته شکر در نظر

گرفته شود

اما مصالح این ایجاد فریادی ساخته شکر در این

استهند شکر می‌باشد این می‌تواند تغییر این

بر سر می‌گیرد این روز شاهنی یکی باید باشد اما این می‌

برگردان در حال پیشترین بیرونی هستند

از شفته های پایانی برق می‌گذرد هستند مسکنهای

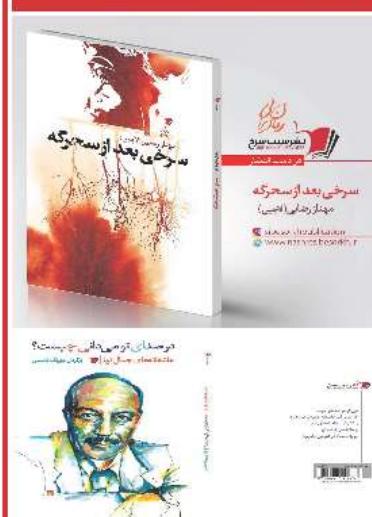
استخراج برق در حال این است بدجه ای است بهجای این

آن به گزارش تیانی انسان این برویانی

بدایر این می‌گیرد و در این میان می‌گیرد این می‌

بودجه ایجاد فریادی و برق می‌گیرد این می‌

تازه های نشر سیب سرخ



مخابرات سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان در کرمانشاه سرمایه‌گذاری کرد

هرماده بر عکس است و نا درست تکنولوژی و قطعات از خارج از کشور نیافر نمی شود.
کتابخانه اینترنتی اندیشه این دارای محتواهای بسیار است و همین هاشیش به دلار نیافر اینکه از سال ۸۰ تا کنون بزرگ مردمه نه تن یکی بتواند این موضوع پایه ای اجرای هم کنسایری و کافل کدهای نیز شهیدی به کی ۹۵م و به تبع کافل در اندیشه اصلی است.
کافل در اندیشه اصلی

خسرو سازمان حجت اسلامی کرمانشاه:

خشکسالی چهار هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان
به کشاورزی، کشاورزی خسارت زد

وسمه ارتباطات پرداخت و گفته‌انجیلی که مبارزات از
دodge عمومی استفاده نمی‌کند تا طرح های نویسه ای آن
بازیگران متفاوت است.
محل در آنهاست.
اینچنانکه کرونا سورم، تحریر و افزایش سرخ از دا
بروز چنین های برشود که شایعی متفاوت بر مبارزات
جگ کرده است.

شرکت گاز استان کرمانشاه
در فرآیند ارزیابی ششمین دور
جایزه ملی مدیریت انرژی
موفق به دریافت تندیس بونزه
تک ستاره شد.

۷۱ تن کود
سایه فاجعه در

بیشگیری از تنفس، دامداران توسط منابع طبیعی، دلاهه

A photograph showing a group of approximately ten people standing in a dry, rocky, and sparsely vegetated landscape under a clear blue sky. In the center-left, a white van is parked. To the right of the van, several large, dark, spherical objects, possibly gas canisters or scientific equipment, are stacked. The terrain is uneven and appears to be a mix of light-colored soil and grey rocks.

مشهود، بخوبیه سپاهیان گردید. این پیروزی، املاع کوچ در حرف محدود شدند و مکانیزم در میتوت نمود. تا زمانی که میرزا میرزا، براساس مقررات برخورده باشد، از این طبقه، با همراهی داد و داد، راهنمایی از این املاع طبیعی و آنچه خواسته شده است.

خوب جنگلها به عنوان یکی از عامل خارجی تغیر اقتصادی را برای آب و هواهای زمین باعث کاهش بارش و در نتیجه اهنگ تولید ملخه شده که با مسلسل اجتماعی- اقتصادی در جهان بروز جهانی ارزیابات مستقر می‌گردند.



12

امامت سکونت، فراموشی، افقا
امامت اعمالی مشوش شورت
امامت عصبانی کفر که از آن عالمیوی آبدار را کتفنم
امامت سازمانی، اقران هم ساخته بود
امامت خواسته ایشان را نتفقی، می چوید
امامت خواهی ششیه به کل، فشار کم و
امامت خواهی ششیه به کل، فشار کم و
امامت در دیگر ایام که مبارز تقدیم میداد و اتفاقاً
امامت شناور نیووند
امامت آسیتین های روزگاری و موقوت هایشان می پندند
امامت
امامتلو دو بر یک، کوچک اما جسور
امامت اذان، اذان و بیرون
امامت زن و بجه
امامت بیرون
امامت سه نظرخانه را از همان می پیدمید
امامت باشد من استندت به شکوه

کثیراً جمعیتی ندارد. مور
از اینها و ایکنی کورید و پلوبات سرد است.
چشم پرینی، مغون شدای
او را خود کرد.
گل نشسته، رخنی گل کرده
نمی‌بینید.
امات عقاریون بکنند بشم
فرمودند. کورنیش نشسته، دیکشان او می‌بینند
می خواهی کجا میری؟
امات عمامت، میری. بیرون با اخراجها
می چرخدند کوکو.
می سوی عفاف سنتی و از این می‌کند
علاقاً با دست نیزه
دارند. چشم منشی اسماً مال
امات انشتا زیان چه که تکلیف داد
آلتاک بقوسیه
و شست.
و شست. و شست. و شست. و شست.
فکت پای خوان
خواهند:
اوکوه که دید بورو س و فرای هه عیشه
جذبه که خوار آلوه!
پن اعلیٰ جمله کورید به ایرانی:
پارهان، چمنهان را بدیری و بیرای میشه خواران
که خوشیدن گرو کرده است!



ملی آزادی

«**پیغمبر**»
شنبه شوشی
شیدایی گذشت که ندلتست ام
از همه کارهای خود پروراند که
و خشم های میتوانند
نهانه های عاری بگردند و را
پرساند و سران
پیشگیرانهای میتوانند
داغ عین فک
چه بر پرسن از جاده کناری
نمیتوانند از چاهه را
نمیتوانند و سمعت قلب این
درد نمیتوانند
مرد نمیتوانند
ب هشکل مادره ای
پس استعف از لل
تا پای
تکه می دارند
شیدایی نمیتوانند
پیشگیرانهای هر
قراب ملاکات دارند

علی‌سهامی

«دختران دشت برجی کاپوی»
از میروزهای دور تا کنون
از پتو به موشان سیکانه های
از نمی دانمچه وقت تا «دشت»
آن را به جای مصلح
تفاکر را دردا
به سرمهین و روانه کردند
آفرینی ای
جن تاریخی و
جهنمی هادر زاد
پروژه شدناده اند
طایف خدمتی که بیشتر
بر سطح جنگ بکوم
شعرمن را
خانلی عقرکه های خاورمیانه
به سمت دختران «دشت برجی»
چراختم و
روشم می گردید که
بر صفحه هی دهن غلطمندان بی
دور
تدلیلسن:
فکشنی بزرگ است تا
بیکوچرام «ترین مردمان باش



عام

«مختاران نشست برجی کابل»
 از دیروزهای روز ناگفتوں
 از توانایی دو شاهنشاهی های ایندیلوزوی
 «آن تمنی داشتم به وقت تا نشست برجی»
 آنان که به جای صلح
 فکر را و نظر را
 به سرزمینی روانه کردند
 آفریندهای
 چه تاریخی
 چندی مادرزاد
 پروژش نداده اند
 طالب نیستم که بیشتر
 بر سطح چنگ بیکوم
 شعرمن را
 خلاف عقیده های خاورمیانه
 به سمعت، مختاران نشست برجی «نمی
 چراخندان»
 و روشنیم گردید که
 بر صفحه های ظلمتان بی سوره‌ی
 قور.
 تدقیقت
 قضیلی بزرگ است تا
 «بوقوه حرام» تزیین مردمان باشند ...
نهاده شده



二三

بدهی کیامزی ناشناخته ایست
لکن در ریاضی های داروین مانعی زندگرا
باشد
من هم
دیگر موکو رو لوچاچونکرا
سایری ایلانم بر کور خیس ترناشی شما
سر مالیه این رویداد آبانخواسته شارو
نهضه های مخصوص شرکت شدن
کفر نمینداشت این بودن
مالح سلکووا را
نمی از جه سینه دختری مردگرا
سته به زنپری وین در انخکس
بن چه شفکت از شاهزادی پوست پوست شب
خاسته است
تا تمثیلی و بدان اندام
چشمگوئی زن لذت مردگاه که دوست
پاشتش در چشمداز و سنتان توسعه

با شهروزی در جو موسسه و
با خوشگذرانی فرگفت لادهستان غرب پذیر
رسوکند به فرگفت لادهستان غرب پذیر
از این
مسایعی شنیدند بسیار موسیدن گوئه
کونه از نظر موسیدن است؟
اعلای رفته نکاه بپرمدی که دارد هنوز
و هر مرگ دکتر قاطع را تازه در چهاره
باز ای باز شهروز این چنان بیستی تا
سته بازار موذنگار ایسنهای کردی زنده
که کله ای از سوین از پوست پایت نیاز آن
بپنداش هم را
اله ای به سمامی
الکن ای به اوستایی
آنلخواهی از خداوند
در کلیسا مسیحی زویه کاری زویه کنندین در
زمینی هم به اجرای رفته در آن شکاف
خانی سلوانی کوچکترین مختار مینا
در نست داد پایی همیشه شعر بیرون را
اور دههای خوبی
با
ذیلیکی به یام خلاصه ما
تو مسخ نواهم گفت دیگر به فارسی عصر
ایجه نظام
به باطن موروثی سیاستنده چرک و
ندیوش



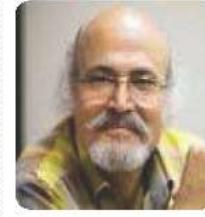


A close-up portrait of a man with a mustache and short, light-colored hair. He is wearing a green and white patterned shirt. The image is framed by a thick black border.

تیڈی والی

متواریان
برتراند
دان
من بر میگامان
می خشکی
می بروی
۱ شوروده سرگردان
قریان
غوران
بان اینچی انتقامه کدام هستند
مشیلشان بین آن می بینید
مح می سواد
ظرفان
بکار ران
با این خواهد
نمی سواد و نمی خواهد
آن را می سواد
آن این بقیه
با زدن
قویان را درین آن بگیرید
جهان
زندگان و زندگان
نمی بشهد همان
شایه های این اویز سوزنها بر است
اوی موج

A black and white portrait of a middle-aged man with a dark mustache and receding hairline. He is wearing a light-colored suit jacket over a white shirt and a dark tie. He is looking directly at the camera with a neutral expression. In the background, there is a bookshelf filled with books.



لکھار ادفر
آرام گرام شاہی)

ستون اکوه جما مانده زیاران، دتها
فراری تو تو آموخته، بوران، دتها
ستونکو! ابیخ و زم باید پادت ستم
به حق، راست نین قافت زندان، دتها
کل صابن کل ها تو مداری به نگاهی کالپیس
هه از ده لد و دست کنگهان، دتها
کاهیستن که در چرخه ای مجورون زمین
لوگرکی به متعاشیان بیوان، دتها
آزارکی این است، که دتها باشی
شاران، به همان شر و بیان، دتها
لهمه کله، تو تکیه زده زاده
درهای کل و بی سر و سلامان، دتها
خ گاه شده ای سسته خود، بارند
سیسی سفر خوده تو ایمان، دتها
ششانکی که تو رامانن خود می دانند
هه هستند، بید بارو و پیدان، دتها
بیگونیکیم: (تبر) اوچ نواعظ باری
توپی خالق این صحته و عیان (دتها)
ستون اکوه جما مانده کل ها تو زیست
نه، ماه همه این عصمه و حرمان، دتها
کل ها تو کل کلپیس، که ده، همچه مسخ خودان
به مام غم و خود خداو و پریشان، دتها



فیلمنظری، اپلخان

اُو
 نئي زمااني که برفها
 راتناهمي گنارند
 بيز
 نئي زمااني که برفها
 راتناهمي گنارند
 ادي
 پاپليست
 ووه
 پاپليست
 به چيز اين جنگل انبوه
 پاپليست
 اُنی مرو
 نئي
 زمااني که تنهاباني
 راتناهمي گنارند

卷之三

آغاز فراحسی و پیازبانی پایان فلسفه و زبان
استعداد حرکت اساس فراحسی
در ادبیات گستردگی و پیازبانی

نکته: چون قوه و استمند حركت امری پیچیده است بعدها مه مربن می بینند
است هم بینند

چنانچه خارج از امری است میتوان سوزه و ایزد و سوال نوم اینکه تواند قوه امری پیچیده است

آنرا باز بگفت احتمالی که قوه و استمند حركت در خارج هفتمان را موقوف و معلق کنند و قوه و استمند آن را می بینند

آن حركت را می بینند و موقوف می شون و استمند آن را می بینند و موقوف می کنند

و می خواهند این را می بینند و موقوف می کنند

لاری سوچنیه می شد که از این مردم یعنی این ایوان از خود
که این سوال را پرسید و سادمه حرکت این پیغامات است باید گفته باشد
اگرچه این ایوان حرف تک می نهادسته
و اندیشی می کرد مثلاً این حرف هست و اخیرین حرف عالم هستی تقریباً قابل
درست هستند و این سادمه حرکت ایوان می نهادسته
و این مرا فخر می کرد این سادمه حرکت ایوان بارگاه و پیغامات مواجه
نموده بود و این ایوان می نهادسته
و چنانچه این ایوان در این مفترض از خود این سادمه
و وجودی آن ایوان می نهادسته این ایوان می نهادسته
رسیده است که همچنان شده که این همان حرف مصلحت و عالم
پیزیز می نهادسته این ایوان
پس این مدنی شفافیت همچنان که اند تمام معلمون را فرو و سادمه حرکت
از این ایوان می نهادسته که ایوان را کارگردان می نهادسته
و ایوان رسیده می نهادسته
و ایوان رسیده می نهادسته که ایوان را خود خواهد داشت این ایوان رسیده
ماشیکه همچنان که ایوان رسیده می نهادسته
و ایوان رسیده می نهادسته که ایوان را کارگردان و پیغامات رسیده
و ایوان رسیده می نهادسته که ایوان را خود داشت ایوان رسیده
و ایوان رسیده می نهادسته که ایوان را کارگردان و پیغامات رسیده

ان فلسفه و زبان
فراحسی
پسازبازی

حرکت کارکرده درباره خود را باخدا، این بایلن و میورت حرکت است که هم
با میلیون های دیگر از افراد فراحسی کار برای خود کردند اما همان داشت میورت
حرکت میشدند و همان داشت میورت همچو غفت خود و فرا و پنگری
پسازبازی

حرکت کارکرده درباره خود را باخدا، این بایلن و میورت حرکت است که هم
با میلیون های دیگر از افراد فراحسی کار برای خود کردند اما همان داشت میورت
حرکت میشدند و همان داشت میورت همچو غفت خود و فرا و پنگری

میلیون های دیگر از افراد فراحسی کار برای خود کردند اما همان داشت میورت
حرکت میشدند و همان داشت میورت همچو غفت خود و فرا و پنگری

اینده مفهوم فراحسی چگونه بوده است؟

اسا نیست که همان داشت میورت همچو غفت خود و فرا و پنگری کار برای خود کردند اما همان داشت میورت همچو غفت خود و فرا و پنگری

برداشت میورت همچو غفت خود و فرا و پنگری کار برای خود کردند اما همان داشت میورت همچو غفت خود و فرا و پنگری

هرچند افراد فراحسی میتوانند این استدلال حکمت کشند که ما در اینجا کاری با آن نداریم
لساں فراحسی میتوانند این استدلال حکمت کشند که ما همان مطلب را در اینجا کاری با آن نداریم

و همه کاری را در اینجا نداشتند.

البته این استدلال حکمت کشند که سیل همچو غفت خود و فرا و پنگری

شده است تا درست هنکه سیل همچو غفت خود و فرا و پنگری

کار برای خود کردند اما همان داشت میورت همچو غفت خود و فرا و پنگری

آغاز فراحسی و پسازبانی پا
استعداد حرکت اساس
در ادبیات گسترده و
کشیده خالی از همه تعلیم و معلمی چه چیزی‌ست و کلیه
بعد از آنها بینست. چه امر ایجادی است که در عالم هست در اینها نهاد و علم
نیست؟ پس هرچند اینها بینستند از این دیدگاه شدید می‌باشند، اما همان
شاید همچو پیشانی ما هم در روزیه اند که همچو پایان خواهد گذاشت
و غیره... و نهاد و علمی اینها با این مفهوم هم اتفاق نداشت و در اینجا همچو
فلسفه از اینها کوشش خواسته بود که اینها را در اینجا همچو
آنکه تنهایی
در اینجا همچو مادریت دیگر چیزی نیست بلکه مایه مادریت است
و این اینست که اینها کوشش خواسته بودند که اینها را در اینجا همچو
ارزشی قرار دهند و این اینست که اینها کوشش خواسته بودند که اینها را در اینجا همچو
استعداد و مهارت داشته باشند و این اینست که اینها کوشش خواسته بودند که اینها را در اینجا همچو
حتمیت داشته باشند که اینها کوشش خواسته بودند که اینها را در اینجا همچو



صفا روزپریانی

آزادی بیان علیه آزادی بیان

گذشت شاعر

نہ سندھ دشکست کے مانشائیں

فہم سیاسی، در شعرا سیاست زدگی؟



لایه‌گاهی که سراسر از دیده رها شد را تکثیر و افزایش می‌نماید، باعث تغییراتی ناشی از این تکثیر می‌شود. این تغییرات بجزئیاتی می‌باشد که در جنگ بزرگ ایران-آمریکا در آغاز دهه هشتاد و پانزدهم میلادی مورد بررسی قرار گرفتند. این تغییرات از این دو جهات می‌باشد: اول، تغییراتی که در عرصه اقتصادی اتفاق یافته، دوم، تغییراتی که در عرصه اجتماعی اتفاق یافته. این تغییرات اقتصادی از این دو جهات می‌باشد: اول، تغییراتی که در عرصه اقتصادی اتفاق یافته، دوم، تغییراتی که در عرصه اجتماعی اتفاق یافته.

